

ایران زندگی

به بهانه بزرگداشت دکتر سجاد آیدنلو یکی از پنج شاهنامه شناس شاخص جهان

آذربایجان چشم و چراغ ادب فارسی است



محمد ملوک گزارش نویسنده

بخت اگریزات باشد، مثل من درست روزی به ارومیه می‌رسی که برای جوان‌ترین استاد تمام زبان و ادب فارسی و یکی از پنج شاهنامه شناس شاخص جهان، بزرگداشت گرفته‌اند. دکتر سجاد آیدنلو را می‌گویم؛ نابغه ادبیات فارسی که آوازهاش در معتبرترین دانشگاه‌های اروپا و آمریکا نیز پیچیده است. راستش را بخواهید موضوع از جهت دیگری برای من اهمیت دارد؛ جایگاه شاهنامه و ادبیات فارسی در آذربایجان و از آن بالاتر، نقش آذربایجان و آذربایجانیان در بسط و گسترش زبان و ادبیات فارسی و اینکه تحصیلکردگان نسل جوان، چگونه به این موضوع می‌نگرند. اما مگر می‌شود به چنین چیزی اندیشید و آیدنلو را که خود مثال بارز جوهره آذربایجانیان در زمینه زبان و ادب فارسی است، کنار گذاشت؟

دکتر خسروقلی زاده، مدیر گروه زبان و ادب فارسی دانشگاه پیام نور ارومیه می‌گوید: «از همان دوره دانشجویی مشخص بود که دکتر آیدنلو جوهره دیگری دارد سوای آنچه ما داریم و معلوم بود که به‌زودی کسوت استادی به حضور ایشان افتخار خواهد کرد. من مدتی افتخار داشتم از طرف دانشگاه پیام نور در دانشگاه فرانکفورت آلمان تدریس کنم. همان روزهای اول که به کتابخانه دانشگاه رفتم، دیدم هر گوشه‌ای را که نگاه می‌کنم یکی از آثار دکتر آیدنلو را می‌بینم. به هر دانشگاه معتبر دیگری هم که رفتم مثل کلن، برلین، هامبورگ و... به همکار هم‌اتاقی ام افتخار کردم که آثارش زینت بخش معتبرترین کتابخانه‌های آلمان و اروپاست. هر کتاب ایشان یک کارگاه ایران‌شناسی است.»

دکتر احمد علیرضا استاد زبان و ادب فارسی دانشگاه پیام نور می‌اندوآب درباره کتاب «آذربایجان و شاهنامه» آیدنلو می‌گوید: «این کتاب یک اثر بسیار بسیار معتبر علمی در پاسخ به منتقدان شاهنامه است و چقدر هم با حوصله و دایت و روشمندی و در نهایت ادب و احترام و تواضع پاسخ داده‌اند و به ریشه برخی انتقادات پرداخته‌اند. به عنوان مثال در این کتاب منوجه می‌شویم منشأ برخی سخنان نادرست ابیات الحاقی است که پس از فردوسی به شاهنامه افزوده شده و این‌ها را با روش علمی می‌توان استخراج کرد. دانش ایشان در حوزه‌های مختلف ادبی بسیار به‌روز است اما هرگز ندیده‌ام جز ادب حماسی در حوزه‌های دیگر هم ورود کنند. اگر هم این کار را بکنند باز از منظر شاهنامه است، مثل مقاله «تشبیهات شاهنامه‌ای خاقانی»، یکی از علل موفقیت دکتر آیدنلو هم همین است.»

۲۶۰ مقاله دارد اما آنچه در این سال‌ها باعث شهرت روزافزون او شد، کتاب «آذربایجان و شاهنامه» است که به جایگاه شاهنامه در آذربایجان و جایگاه آذربایجان در شاهنامه پرداخته است. سال‌ها دانشگاه پیام نور ارومیه مملو از استادان، دانشجویان و علاقه‌مندان آذربایجانی زبان و ادب فارسی است و در این میان بیش از هر کتاب دیگر آیدنلو، سخن از همین اثر اوست. مهر تأییدی است بر این گفته مشهور ادبی که آذربایجان و خراسان، همواره دو کانون اصلی زبانی و رشد و توسعه زبان و ادب فارسی بوده‌اند. سعید سلیمانی، حمید واحدی و علی شجاع از شاعران شناخته شده استان در وصف آیدنلو شعری می‌خوانند و دکتر سعید سلیمانی پیش از شعرخوانی در وصف بهنگام بودن کتاب «آذربایجان و شاهنامه» می‌گوید: «ما معمولاً وقتی صفات یک پژوهشگر را برمی‌شمریم، می‌گوییم پژوهشگر باید دانش کافی و احاطه علمی داشته باشد، کاوشگر و ریزبین و بلندهمت و نقدپذیر باشد... اما اغلب تکنه‌ای مغفول باقی می‌ماند و آن اینکه پژوهشگر باید بصیرت فرهنگی ادبی داشته باشد و زمان شناس باشد و بداند چه موضوعی را چه وقت طرح کند. ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که بیشترین هجمه علیه فردوسی شکل گرفته و تیرهای زهر آگین دروغ و تهمت و بدزبانی از هر سو به سمت دژ مستحکم زبان و ادب فارسی روان است. وقتی هم با ادب و فضلا که نگهبانان این دژ هستند حرف می‌زنیم و می‌گوییم واکنشی نشان دهید، می‌بینیم سر خود گرفته و در غفلت علمی خویش گرفتارند و این طور شانه از بار مسئولیت خالی می‌کنند که «کی شود دریا به یوز سگ نجس» در چنین قضایی است که «آذربایجان و شاهنامه» قد علم می‌کند و نه تنها جلوتیرهای می‌ایستد که کمان کامتگیر را هم زمین می‌زند.»

دکتر کامران جباری رئیس دانشگاه پیام نور استان آذربایجان غربی و ارومیه می‌گوید: «نام و آواز آیدنلو از جغرافیای ایران زمین به مرزهای ایران فرهنگی رسیده و آثار و خدمات ایشان در این زمینه بر کسی پوشیده نیست.» و دکتر علیرضا مظفری استاد آیدنلو دانشجوی خود را یک مرجع شناس تمام‌عیار توصیف می‌کند و می‌گوید: «آثار دکتر آیدنلو در تاریخ ادب ما ماندگار خواهد بود.» و چه دلپذیر است که این همه غیرت و حمیت و بلندهمتی برای معشوقه‌ای به نام زبان و ادب فارسی را یکسره به لجه شیرین ترکی آذربایجانی می‌شنوی. با خود می‌گویم اصلاً فارسی درست و شیرین را این‌طور باید حرف زد به لجه ترکی آذربایجانی.

در جلسه بزرگداشت دکتر آیدنلو فرصتی برای گفت‌وگو با خود او پیدا نمی‌کنم اما منوجه می‌شوم ایشان روزهای پنجشنبه با جمعی از علاقه‌مندان به مباحث فرهنگی و ادبی کتابخانه‌گردی دارند. هوا ناخوشامدانه سرد است اما محفل عصر پنجشنبه در کتابخانه بهار گرم و تماشایی است؛ آنقدر که یادم می‌رود از دکتر افشین جعفرزاده دانش آموخته پزشکی و تاریخ‌چیزی پرسیده باشم. محمد رنجبری دانشجوی کناری ادبیات درباره جایگاه شاهنامه و ادب فارسی در آذربایجان می‌گوید: «مردم منطقه آذربایجان علاقه خاصی به داستان‌های حماسی و پهلوانی دارند و همین‌طور اشعار و مثل‌هایی

ساعتی با موهو تر اشان تابلو سنگ ضامن آهو

به سختی سنگ به نرمی مینیا تور

۱۲ صفحه

تخریب جاده‌ها، آبگرفتگی خانه‌ها و مسدود شدن راه ارتباطی صدها روستا

تکرار ویرانی سیل و در دسر برف

۱۰ صفحه

«ایران» از خاطره پیشگامان فناوری

گزارش می‌دهد

پیشرفت به روایت نخبگان

۱۱ صفحه



دکتر علیرضا میرباقری:

جراحی از راه دور با «رویات سینا»

۱۱ صفحه



عهد ۲۵ ساله

زمانی دکتر آیدنلو مدرس المپیاد ادبی بودند و من مدرس المپیاد فیزیک؛ ایشان بی‌تی از شاهنامه در تقدیرنامه‌ها نوشته بودند که مثال بارز این بیست خود دکتر آیدنلو هستند: «جوانان دانای دانش‌پدیر/ سزد گر نشینند بر جای پیر» جایگاه ایشان در کنار استادانی است که هر کدام از آنها برای جا به جا کردن علم یک کشور کفایت می‌کند. جوانی در سن ۴۰ سالگی به درجه استاد تمامی دانشگاه رسیده و اکنون به گفته بسیاری از استادان فرهنگ و ادب فارسی شایسته‌ترین فرد از هم‌سلان خود برای ادامه دادن سلسله جلیله ادب و دانشمندان آذربایجانی است؛ شخصیتی ملی و جهانی که علاوه بر سن و سال، با بقیه فریختگان منطقه ما تفاوت دیگری هم دارد. نتیجه یک پژوهش نشان می‌دهد ارومیه هیچ وقت خالی از دانشمندان تراز اول دنیا نبوده و همیشه کسانی بوده‌اند که پرچم علم را در رشته‌های مختلف در آذربایجان و ارومیه بلند کرده‌اند اما همین پژوهش به ما می‌گوید اکثر آنها در ارومیه نمانده‌اند؛ از مغبد حکیم طبیب قرن اول هجری مدینه که با استفاده از گیاهان دارویی منطقه ارومیه طبابت می‌کرد تا شیخ ابوبکر ابن یزدانبار ارموی که در سال ۳۳۳ در ارومیه وفات کرده تا قطران تبریزی شاعر بلند آوازه سده پنجم هجری که در خیلی از اسناد به نام قطران تبریزی ارموی قطران تبریزی شاعر بلند آوازه سده پنجم هجری از او یاد شده و شخصیت‌های برجسته بسیاری که معمولاً در ارومیه نمانده‌اند و جای دیگری وطن اختیار کرده‌اند جز مجموعه‌ای از مشایخ و عرفای دوره ایلخانی که همین جاساکن بوده‌اند.

پس از آن ما دانشمندان و ادیبی که در ارومیه نشو و نما یافته و در ارومیه هم وفات کرده‌اند، نمی‌بینیم؛ چه افرادی مثل قاضی سراج‌الدین و حسام‌الدین چلبی و امثالهم که به دارالعلم‌های آناتولی مثل قونیه مهاجرت کردند یا افراد دیگری که به بغداد و دارالعلم‌های دیگر رفتند. حالا هم اغلب جذب تهران و شهرهای دیگر یا جذب مراکز علمی خارج از کشور می‌شوند. از این زاویه می‌توان گفت دکتر آیدنلو خرق عادت کرده‌اند. در دارالعلم شیراز، مدرسه ناصریه بغداد یا دمشق و... پسوند ارموی افراد به ما می‌گوید که همان اصالت آنها ارومیه‌ای است درحالی که همان زمان اندیشمندی در خود ارومیه کم می‌بینیم.

ایشان به عهده‌ی که ۲۵ سال پیش با خودشان بسته‌اند همچنان پایبندند. یعنی علاقه و کشتی است و ایشان را جذب شاهنامه کرد همچنان باقی است و عمر و انرژی خود را وقف این کار کرده‌اند. دکتر آیدنلو مدل طلای المپیاد ادبی دارند و بر اساس قانون می‌توانستند در هر رشته‌ای و در هر دانشگاهی که دوست دارند ادامه تحصیل دهند و همچنین در دوره‌های درس بخوانند اما از آن همه المپیادی آن سال‌های آذربایجان غربی، تنها کسی که ارومیه ماندند دکتر آیدنلو بودند که ترجیح دادند رشته مورد علاقه خود را اول تریز و بعد در ارومیه ادامه دهند. پس از آن هم علی رغم اینکه می‌توانستند در دانشگاه‌های داخلی خارجی بسیاری کار کنند، دانشگاهی در شهر خودشان را انتخاب می‌کنند؛ آن هم دانشگاهی که بتوانند بیشترین زمان را برای کار روی علاقه‌مندی خود یعنی شاهنامه، داشته باشند. به همین دلیل دکتر سجاد آیدنلو می‌شوند استاد تمام دانشگاه پیام نور ارومیه.

وقتی راجع به ۱۶ کتاب، ۲۶۰ مقاله و ۱۰۰ سخنرانی تک اسم حرف می‌زنیم، نشان از این دارد که مسیر کار و زندگی مشخص است. تمام کارهای ایشان تک اسم است. یعنی اگر با دانشگاهی هم کار کرده‌اند، ترجیح داده‌اند آن اثر به نام خود دانشجوی باشد و صرفاً کاری که متعلق به خود ایشان است به نام خودشان چاپ شود. کتاب «آذربایجان و شاهنامه» بر حسب موقعیت و ضرورت در پنج ماه آماده چاپ شده اما ۱۸ سال تمام وقت، تحقیق و پژوهش پشت آن خوابیده است. دکتر آیدنلو اگر تاکنون کاری نکرده باشد و پس از این نیز کاری انجام ندهد، همین یک اثر درخشان برای کارنامه او کافی است.

یادداشت



دکتر سیدهادی طباطبایی مدیرکل امور فرهنگی اجتماعی استانداری آذربایجان غربی

عکس: میلاد نیک / ایران

تا این لحظه که من باشما حرف می‌زنم خارج از خراسان که خاستگاه شاهنامه است از نواحی دیگر ایران اثری قدیمی‌تر از دیوان قطران نداریم که سند کتبی توجه و احترام به شاهنامه باشد. این روند تا همین الان هم در دوره معاصر به هر دو زبان فارسی که زبان ملی ماست و زبان ترکی آذربایجانی که از مقطعی به بعد زبان محلی و مادری مردمان این نواحی شده، به شاهنامه توجهات گوناگونی نشان داده شده است.



دوره‌ی عمر پنجشنبه اهالی فرهنگ و ادب در کتابفروشی بهار

شاهنامه است که این بذل توجه فاصله بسیار کمی با سراسر این شاهنامه دارد؛ یعنی حدود دو یا سه دهه پس از نظم شاهنامه، این اثر در آذربایجان در اختیار قطران بوده و به آن واکنش نشان داده است. تا این لحظه که من با شما حرف می‌زنم خارج از خراسان که خاستگاه شاهنامه است از نواحی دیگر ایران اثری قدیمی‌تر از دیوان قطران نداریم که سند کتبی توجه و احترام به شاهنامه باشد. این روند ادامه دارد و تا همین الان هم در دوره معاصر به هر دو زبان فارسی که زبان ملی ماست و زبان ترکی آذربایجانی که از مقطعی به بعد زبان محلی و مادری مردمان این نواحی شده، به شاهنامه توجهات گوناگونی نشان داده شده است.» می‌پرسم چرا از مقطعی به بعد؟ می‌گوید: «برای اینکه ما سندی نداریم که زبان ترکی آذربایجانی از قدیم در اینجا متداول بوده باشد. طبق اسناد تاریخی و ادبی زاین این مناطق آذری بوده که یکی از زبان‌های ایرانی است و از مقطعی به بعد ترکی آذربایجانی رایج شده که با نهایت احترام زبان مادری ماست.» «دوین نسخ خطی و نگارگری بر روی شاهنامه در آذربایجان مثل شاهنامه ایلخانی، انتشار دومین اثر چاپ سنگی شاهنامه در تبریز، فراوانی نام‌های شاهنامه‌ای در این منطقه، نقالی و محافل شاهنامه خوانی در تبریز و شهرهای دیگر آذربایجان، باورهای عامیانه از حضور رستم و شخصیت‌های شاهنامه‌ای در برخی مناطق، تأثیر حکایت‌ها و داستان‌های عامیانه از قصه‌های شاهنامه و... هر کدام گوشه‌ای از این علاقه دیرین را نشان می‌دهد.

کتابخانه احمدآقا را ترک می‌کنم اما قلبم را همین جا در ارومیه و در محفل پاسداران راستین زبان و ادب فارسی، جامی گذارم. در دوره‌ی های گرم عصر نخبشینه، در آذربایجان؛ چشم و چراغ و زبان و ادب فارسی.

این دو زبان هیچگاه باهم در تضاد نبوده‌اند. اساساً دنیای اندیشه و دنیای ادبیات و مطالعه و کتاب و تحقیق هیچگاه نمی‌تواند سر سوزنی با کسی ستیز داشته باشد مگر ستیز با جهل و نادانی و امیدوارم این ستیز با جهل و نادانی هر روز پرنرگ‌تر شود و کتاب و اندیشه جای آن را بگیرد.»

در کتابفروشی احمد آقا و در محفل دوستانان فرهنگ و ادب نمی‌شود با دکتر آیدنلو گفت‌وگویی دهنفره راه انداخت. به کوچی می‌رویم و در سرمای استخوان سوز شب چله درباره کتاب «آذربایجان و شاهنامه» حرف می‌زنیم. آیدنلو می‌گوید: کتاب آذربایجان و شاهنامه دو بخش دارد؛ جایگاه آذربایجان در شاهنامه و جایگاه شاهنامه در آذربایجان. در بخش جغرافیای آذربایجان در شاهنامه را بررسی کرده‌ام که تا چه اندازه منطقه‌ای مهم، تأثیرگذار و جریان‌ساز بوده و به خاطر آتشکده آذرگشسب، مقدس. همین طور به دلیل برخی حوادث مهم حماسی اساطیری و تاریخی که در این منطقه اتفاق افتاده می‌شود گفت آذربایجان به نوعی پایتخت دوم و معنوی ایران پیش از اسلام در جغرافیای شاهنامه است.

اما پس از نظم شاهنامه این اثر و سراینده آن حکیم فردوسی طوسی مثل نواحی دیگر ایران در آذربایجان هم جایگاه بسیار نمایانی دارد که من این بحث را از چند منظر و در ۱۳ بخش با اسناد و شواهد در آذربایجان و شاهنامه بررسی کرده‌ام که بخش اعظم کتاب را هم به خود اختصاص داده است. ابتدا باید به شعرا و نویسندگان و اندیشه‌ورزان و دانش وران این منطقه اشاره کرد که به شیوه‌های مختلف به شاهنامه توجه کرده‌اند؛ فردوسی را می‌تواند یا از شخصیت‌ها و داستان‌های شاهنامه تأثیر گرفته‌اند که این رویکرد در قیاس با دیگر نواحی ایران بسیار قابل توجه است. دیوان قطران تبریزی نخستین سند ادبی توجه ادبی آذربایجان به

باعث تهییج این روحیه در آنها بشود و در رأس همه این آثار شاهنامه بردل و جان و ذهن و زبان مردم این منطقه جاری است و این را می‌شود در ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها، نقل قول‌ها و انواع قصه‌ها و حکایت‌های عامیانه به وضوح دید. تحقیقات ادبی به خوبی این را اثبات می‌کند که شاهنامه کتابی پر از جراح در آذربایجان است. من دبیر ادبیاتم و می‌توانم به شما بگویم که اغلب دانش آموزانی که با آنها سر و کار دارم اسمی شاهنامه‌ای دارند.»

زهرا محمدزاده همسر محمد رنجبری از شاعران شناخته شده ارومیه نیز می‌گوید: «اینجا هم مثل هر جای دیگر این شعر حافظ جز لاینفک سفره‌های مردم در شب چله است و بچه‌ها با سبد مظفری استاد آیدنلو دانشجوی خود را یک مرجع شناس تمام‌عیار توصیف می‌کند و می‌گوید: «آثار دکتر آیدنلو در تاریخ ادب ما ماندگار خواهد بود.» و چه دلپذیر است که این همه غیرت و حمیت و بلندهمتی برای معشوقه‌ای به نام زبان و ادب فارسی را یکسره به لجه شیرین ترکی آذربایجانی می‌شنوی. با خود می‌گویم اصلاً فارسی درست و شیرین را این‌طور باید حرف زد به لجه ترکی آذربایجانی.

در جلسه بزرگداشت دکتر آیدنلو فرصتی برای گفت‌وگو با خود او پیدا نمی‌کنم اما منوجه می‌شوم ایشان روزهای پنجشنبه با جمعی از علاقه‌مندان به مباحث فرهنگی و ادبی کتابخانه‌گردی دارند. هوا ناخوشامدانه سرد است اما محفل عصر پنجشنبه در کتابخانه بهار گرم و تماشایی است؛ آنقدر که یادم می‌رود از دکتر افشین جعفرزاده دانش آموخته پزشکی و تاریخ‌چیزی پرسیده باشم. محمد رنجبری دانشجوی کناری ادبیات درباره جایگاه شاهنامه و ادب فارسی در آذربایجان می‌گوید: «مردم منطقه آذربایجان علاقه خاصی به داستان‌های حماسی و پهلوانی دارند و همین‌طور اشعار و مثل‌هایی